

درباره کوچه «امام رضا(ع)» که با ساخت نخستین گاراژهای ماشین در آن، رونق و آوازه پیدا کرد

حکایت «رانندگان» و کوچه‌ای پشت چهنو



نمایی از خانه‌ای با قدمت پهلوی اول در انتهای فرعی امام‌رضای ۹۳



نمایی از خانه‌ها شده موسوی



نمایی از مسجد رانندگان

رضا سلیمان‌نوری| تغییرات ایجادشده در زندگی شهری در سده اخیر باعث تغییر وضعیت بسیاری از مشاغل و ایجاد حرفه‌های جدید به جای حرف منسوخ‌شده یا از رونق افتاده قدیمی شده است. برخی از این شغل‌های جدید حداقل در سال‌های نخست ایجاد خود، از چنان اهمیت و جداییتی برخوردار بودند که فضای شهری

- درباره کوچه «مسجد رانندگان»

کوچه «مسجد رانندگان» شناخته‌شده‌ترین نام این مسیر در سال‌های گذشته است اما قدیمی‌ترین نام آن محسوب نمی‌شود؛ براساس اسناد موجود نخستین نامی که برای این‌کوچه‌مورداستفاده قرار گرفته، عنوانی است برگرفته از شرایط جغرافیایی این مسیر در مشهد دوران قاجار. در آن دوران باتوجه‌به قرار گرفتن این‌مسیر در مجاورت دیوار جنوبی شهر و همچنین کوچه «چه‌نو» به آن کوچه «پشت‌بهره جنوبی» و همچنین کوچه «پشت بهره چه‌نو» می‌گفتند. این نام‌ها هر دو اندکی پس از تخریب باروی شهر و رواج استفاده از خرده‌ها، به مرور ماهیت خود را از دست دادند و با ایجاد نخستین گاراژها و اجتماع رانندگان در این کوچه عنوان کوچه «رانندگان» جانشین آن‌ها شد.

چندی بعد هم با ساخت تکیه رانندگان و سپس تبدیل آن به مسجد «رانندگان» نام این مسیر به کوچه «مسجد رانندگان» تغییر کرد. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با شماره‌دار شدن فرعی‌های خیابان «امام‌رضا(ع)» در دهه ۹۰ قرن ۱۴ خورشیدی، نام این کوچه بار دیگر دستخوش تغییر شد، به‌نحوی‌که اکنون بر تابلوی ابتدای کوچه از سمت خیابان «امام‌رضا(ع)»، تنها عنوان «امام‌رضا(ع)» و در انتهای آن تابلوی کوچه «آرام ۵/۴» نصب شده‌است.

- مسیری که پشت باروی شهر بود

بازخوانی اسناد و نقشه‌های موجود از مشهد پیش از سده ۱۴ خورشیدی نشان دهنده آن است که کوچه «امام‌رضا(ع)» یکی از مسیرهای پشتیبان باروی شاه طهماسبی شهر مشهد بوده است. به‌عبارت‌دیگر سوی جنوبی این‌کوچه را دیوار بلند محافظ شهر در اختیار داشته و سوی شمالی هم مخصوص تعدادی بنای مسکونی و احیاناً تجاری بوده است. در نقشه الدمج که از آن به‌عنوان کامل‌ترین سند تصویری باقی‌مانده از دوران قاجاری یاد می‌شود، این‌کوچه بخش انتهایی مسیر پشت

بارو - یا به‌اصلاح مشهدی‌ها پشت بهره- محله عیدگاه بوده که در محل فرعی شماره ۴ کنونی با تغییر مسیر، وارد محدوده محله «سرشور» و کوچه «چه‌نو» می‌شده‌است. در این نقشه دو فرعی شمالی برای این‌کوچه ترسیم‌شده که موقعیت کوچه‌های «درویش‌ها» («مهراندیش» فعلی) و «قراول‌خانه» («مهرآیین» کنونی) است. براساس همین نقشه در آن زمان هیچ بنای عمومی‌ای در این‌کوچه ایجاد نشده و املاک شمالی آن همه ملک شخصی بوده است. این وضعیت در نقشه صد سال پیش مشهد هم تغییر چندانی پیدا نکرده است.

رجوع به اسناد مکتوب موجود در دوره زمانی حدفاصل ترسیم این دو نقشه نیز نشان می‌دهد که نخستین سنگ بنای مسجد کنونی رانندگان در این دوران گذاشته شده است، البته این مسجد در ابتدای امر به عنوان یک تکیه برای انجام عزاداری‌های مذهبی ساکنان ایجاد شده بود ولی در دهه‌های بعد از تکیه به مسجد تغییر وضعیت داده است.

تبدیل گاراژهای کوچه به پلاک‌های اقامتی و تجاری دهه‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی را باید دوران رشد و تکامل کوچه «رانندگان» لقب داد. در این دوره، نخست با فروزیتخن دیوارهای محافظ شهر در بخش جنوبی کوچه، این‌بخش به مکانی برای استقرار وسایل نقلیه باری بین‌شهری تبدیل شد، اندکی بعد کامیون‌ها جای گاری‌های باری مستقر در این محدوده را گرفتند و فضاهایی که برای نگهداری شبانه گاری‌ها در اختیار گاریچی بود، به نخستین گاراژهای خودروهای باری بین‌شهری مشهد تبدیل شد؛ هم‌زمان نیز برخی املاک بخش شمالی کوچه از مسکونی به اقامتگاه‌هایی برای اسکان موقت رانندگان بین‌شهری غیرمشهدی -که در این‌کوچه رفت‌وآمد داشتند- تغییر ماهیت دادند. البته این داستان بخش نخست جبهه جنوبی کوچه بود. بخش دوم این جبهه سرنوشتی مخالف بخش نخست پیدا کرد و با ساخت یکی از

نخستین دبیرستان‌های پسرانه مشهد در ابتدای دهه دوم قرن ۱۴، یعنی دبیرستان «فردوسی»، به بخشی از فضای آموزشی این دبیرستان تبدیل شد. همچنین در همین دوره زمانی، تکیه ایجادشده بر زمین وقفی مرحوم موسوی با افزودن ملک وقفی مرحوم توکلی‌زاده به بنای اولیه، به مسجد «رانندگان» تبدیل شد که این اتفاق نیز به همت رانندگان کامیون و اتوبوس رخ داد. در ادامه، تعمیر کامل مسجد «رانندگان» در سال ۱۳۵۰ به همت اعضای هیئت رانندگان و مرحوم حاج عباس معماریان رخ داد. در جریان این تغییر و تحول‌ها، آب‌انبار قدیمی مسجد جمع‌آوری و به شبستان آن افزوده شد. تبدیل برخی گاراژهای حاشیه جنوبی کوچه به پلاک‌های اقامتی و تجاری نیز مهم‌ترین تغییرات این‌کوچه در دو دهه ۴۰ و ۵۰ قرن گذشته بود.

- رها شدن خانه‌های قدیمی

کوچه «امام‌رضا(ع)» ۹، در سال‌های پس از انقلاب دو دوره زمانی را به خود دیده‌است. در سال‌های نخست این دوره، تغییر چندانی در این‌کوچه ایجاد نشد و تنها یکی از گاراژهای قدیم آن به تملک شهرداری درآمد و شهرداری هم آن را به پارکینگ عمومی تبدیل کرد. بخش مکانیزه این پارکینگ که خود بزرگ‌ترین پارکینگ مکانیزه عمومی مشهد محسوب می‌شود، بخش درخورتوجهی از حاشیه جنوبی کوچه را اشغال کرده است.

اما در نیمه دوم این دوره زمانی و از اواسط دهه ۸۰ قرن ۱۴ خورشیدی، شرایط کوچه تغییر کرد. بسیاری از پلاک‌های بخش شمالی کوچه توسط سرمایه‌گذاران خریداری و به واحدهای کوچک و بزرگ اقامتی تبدیل شد، به‌نحوی‌که اکنون تعداد خانواده‌های ساکن در کوچه به سستی به ۱۰ خانوار می‌رسد؛ البته دلیل دیگر این امر، خالی و رها شدن برخی از خانه‌های قدیمی کوچه مانند «خانه موسوی» بود. در کنار ایجاد مدارس اقامتی، در همین دوره زمانی هنرستان فنی و حرفه‌ای پسرانه «امام‌جواد(ع)»

کوچه گردی



بود که هنوز پس از گذشت سال‌های بسیاری از انتقال گاراژها از این محدوده، بازهم مردم مشهد برای معرفی این‌کوچه از همان عنوان قدیمی‌اش یعنی کوچه «رانندگان» استفاده می‌کنند. البته ایجاد مسجدی توسط فعالان این صنف در کوچه مورد بحث هم در تثبیت این نام نقش بالایی داشته است.

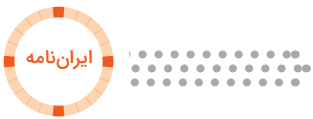
که بسیاری آن را به‌عنوان هنرستان «تربیت‌بدنی» می‌شناسند و نیز دبیرستان «شاهد پیام غدیر» در کوچه «رانندگان» ساخته شدند؛ همچنین در همین دوره زمانی، مسجد «رانندگان» به صورت کامل بازسازی شد. ناگفته نماند، اکنون تنها گاراژ قدیمی این‌مسیر که به‌عنوان تعمیرگاه خودروهای سبک از آن استفاده می‌شود، تنها نماد باقی‌مانده از دوران حضور گاراژهای متعدد کامیون و اتوبوس‌های بین‌شهری در این‌کوچه است. ناگفته نماند که محدوده پشت این بنا نیز اکنون به بوستان خطی «رضوی» تبدیل شده تا این‌کوچه هم فضای سبز خاص خود را داشته باشد.

● حاج‌محمود موسوی و وقف زمین مسجد «رانندگان» شرایط خاص این‌کوچه که روزگاری بخش شمالی آن دیوار حفاظتی شهر بوده و پس از آن هم به فضاهای آموزشی، رفاهی و خدماتی تبدیل شده، باعث کاهش فضای مسکونی در آن شده است. بر این اساس و باتوجه به اسناد موجود، حاج‌محمود موسوی، واقف اولیه زمین مسجد «رانندگان»، را باید قدیمی‌ترین چهره شناخته‌شده ساکن این‌کوچه دانست. همچنین حاج‌عباس آقا جان (معروف به حاجی توکلی‌زاده) نیز فرد دیگری است که روزگاری خود و خانواده‌اش در این‌کوچه می‌زیسته‌اند. او هم منزلس را که در پشت تکیه رانندگان قرار داشته است، وقف این بنای مذهبی می‌کند تا برای مسجد، آشپزخانه بسازد؛ همچنین باید از خاندان روشندان و خاندان موسوی نیز در کنار آقای سه‌قلعه‌ای، علی خاقلی، حاج‌آقاخوافی، باقری ترشیزی، دهستانی و عسکری به‌عنوان دیگر ساکنان این‌کوچه در مقاطع مختلف زمانی یادکرد.

سرانجام باید از حاجی منزوی‌کاشانی که اکنون بزرگ‌ترین پلاک مسکون حاشیه کوچه را در اختیار دارد و حاجی حیدری، خادم حرم مطهر رضوی که تا چندی پیش خانواده‌اش ساکن این‌کوچه بودند، به‌عنوان دیگر چهره‌های شناخته‌شده این مسیر یادکرد.

کمی باران آمد. به اندازه‌ای هوا سرد شد که در خانه سعیدالسلطنه بالحاف ظهر خوابیدم و درهای اتاق را تمام بستم. الان هم که این مختصر را می‌نویسم، هوا به‌قدری خنک است که بیرون نشستن اسباب سرم‌خوردگی می‌شود و باید در اطاق خوابید.» ماجرای هوای بی‌اعتبار مشهد، اسباب دردسرهای فراوانی برای زائران و مجاوران، طی تاریخ ۲۰۰ساله مشهد شده است. گاه هوای سرد مشهد چنان اهالی و مسافران را درگیر می‌کرد که باعث شیوع سرم‌خوردگی و بیماری‌های شبیه آن می‌شد و گاه گرمای طاق‌ف‌فرسای مشهد چنان بود که خانبیکف در سفر سال ۱۲۳۹ خورشیدی خود به مشهد، این شهر را جزیره‌ای سبز در میان برهوتی خشک و لم‌بیزرع توصیف کرد؛ وصفی که البته زیاده‌روی است و غلوآمیز به نظر می‌رسد. نقل است که برخی از پزشکان شهر معاصر، مانند مرحوم دکتر متضی‌شیخ، به‌علم به این وضعیت جوی، به‌ویژه در فصل پاییز، نسخه‌های مربوط به بیماری‌های شایع را از قبل می‌نوشتند و پس از معاینه مریض واطمینان از نوع بیماری، آن را به وی تحویل می‌دادند؛ به‌همین دلیل، درباره نوع تشخیص بیماری این افراد، داستان‌هایی افسانه‌گون نقل می‌شد، اما آنچه حقیقت داشت، آگاهی این پزشکان از تغییرات شدید آب‌وهوایی مشهد و شیوع بیماری‌های مربوط به آن‌ها بود.

تاریخ و هویت



مروری بر تعطیلی ۶۵روزه مطبوعات در ایران سال ۱۳۵۷ که از نیمه

آبان شروع شد
فصل اعتصاب خبر



گروه تاریخ و هویت| روزنامه‌های پرشمارگان ایران در آخرین سال سلطنت رژیم پهلوی طولانی‌ترین اعتصاب تاریخ مطبوعات کشور را از سرگذراندند؛ اعتصابی دو‌ماهه که از ۱۵آبان تا ۱۶دی‌ماه (هم‌زمان با نخست‌وزیری غلام‌رضا اژه‌اری) به درازا انجامید. دلیل یا بهانه شروع این اعتصاب اشغال تحریریه روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و آیندگان و دستگیری و تحت‌تعقیب قرار گرفتن برخی از روزنامه‌نگاران بود. سطرهای بعدی نقبی است بر این رخداد.

- اعتصاب ۶۵روزه روزنامه‌نگاران در ایران

پاییز سال ۱۳۵۷ یعنی در دوران اوج‌گیری مبارزات و تظاهرات مردمی ضدحکومت پهلوی را باید فصل اعتصاب هم بنامیم. در آن روزگار، ارگان‌های متعددی در کشور به‌دلیل سیاسی اقتصادی، دست به اعتصاب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت زدند. اعتصاب‌های دوگانه اصحاب مطبوعات یکی از این اعتصاب‌ها بود.

نخستین این‌اعتصاب‌ها از تاریخ ۱۹تا ۲۳مهرماه سال ۱۳۵۷ خورشیدی (در زمان دولت جعفر شریف‌امامی) رخ داد و چهار روز ادامه داشت. در این چندروز، نود روزنامه‌نگار با امضای نامه بی‌سابقه‌ای خطاب به دولت آموزگار، درباره ادعای گراف او مبنی بر آزادی کامل مطبوعات در دولتش واکنش نشان دادند. اعتصاب دوم اما اعتصابی ۶۵روزه بود که از ۱۵آبان تا ۱۶دی‌ماه همان سال طول کشید. این اعتصاب هم‌زمان با حضور دولت نظامی اژه‌اری شکل گرفت. ماجرای شکل‌گیری اعتصاب اول را باید در واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ جست‌وجو کرد. کشتار مردم در «جمعه‌سیاه» میزان هم‌بستگی ملی را افزایش داد و سبب شد یکی از مهم‌ترین اعتصاب‌های آن زمان شکل بگیرد، اعتصابی که با عنوان «اعتصاب مطبوعات» در تاریخ ماندگار شد.

اعتصاب دوم، پس از وقوع واقعه ۱۳آبان و درگیری‌های گسترده این روز شروع شد. عمر دولت شریف‌امامی به سرآمد و ارتشبد غلام‌رضا اژه‌اری جانشین او شد. این تغییر به‌معنای عبور از دولتی با شعار آشتی ملی به دولتی نظامی بود و تغییر مهمی به‌شمار می‌رفت. دولت نظامی اژه‌اری پس از زوری کار آمدن، برای کنترل اوضاع، خیلی زود به مطبوعات جنگ و دندان نشان داد. دولت نمی‌خواست صدای مزاحمی لااقل از روزنامه‌های مهمی مثل کیهان اطلاعات و آیندگان به گوش برسد؛ به‌این دلیل بامداد روز دوشنبه، ۱۵آبان ماه، هیئت‌تحریریه این روزنامه‌های سه‌گانه، شاهد حضور نظامی‌ها بود و درواقع به اشغال آن‌ها درآمد. ماجرا البته تنها حضور نظامی‌ها در تحریریه این سه روزنامه نبود و شاید از آن مهم‌تر اقدام فرمانداری نظامی برای تحت‌تعقیب قرار دادن و دستگیری تعدادی از روزنامه‌نگاران سرشناس بود که این بحران را رقم زد. نکته مهم درباره روزنامه آیندگان این است که حتی نسخه‌های انتشار یافته این روزنامه هم جمع‌آوری و توقیف شد. اهالی مطبوعات در چگونگی واکنش نشان دادن به این اقدامات دچار دودلی شدند و بر سر درواهی سرنوشت‌سازی قرار گرفتند. از طرف دیگر دولت نظامی اژه‌اری، ضمانت‌نامه کتبی آن‌ها را به هیچ‌پنداشته و از همان ابتدا شمشر را برایشان از رو بسته بود. پرواضح است که در چنان فضایی نمی‌شد چندان انتظار انعکاس خبری درست را داشت.

بااین‌همه، بی‌تردید روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران تلاش کردند به مخاطبان خود، یعنی مردم، باسخگو باشند و در درج اخبار سمت آنان را بگیرند. این نکته با بروز اعتراضات مردمی علیه حکومت، روزنامه‌نگاران را بر آن داشت که اقدامی عملی به نفع مردم صورت دهند. همین شد که روزنامه‌ها دست به اعتصاب زدند تا دولت را از تریبون‌های سنتی خود محروم سازند. این اعتصاب‌ها جدا از آزادی نسبی و موقت مطبوعات به ارمغان آورد، حرکتی بود به معنای همراهی مطبوعات با مبارزات و در نتیجه به همراهی بیش‌ازپیش مردم با مطبوعات منجر شد.

روایت‌های روزنامه‌نگاران قدیمی ایران، حکایت از آن دارد که در دوران ۶۵روزه اعتصاب مطبوعات، سردمداران از خبرنگاران خواستند که به روزنامه‌ها ب‌روند و در محل روزنامه باتوجه‌به اتفاقات، مطالب بولتن اعتصاب را جمع‌آوری کنند. این اعتصاب‌ها تانیمه‌دی‌ماه سال ۱۳۵۷ خورشیدی و برکناری دولت اژه‌اری ادامه داشت. با آغاز دوران نخست‌وزیری بختیار، او قول داد که آزادی مطبوعات را رعایت کند. روزنامه‌ها هم تصمیم گرفتند به اعتصاب پایان دهند اما پیش از آن از امام (ع) اجازه گرفتند و ایشان نیز پیامی صادر کردند و اجازه دادند خبرنگاران به کار خود بازگردند.

اخبار قدیمی

اولین تبلیغ شیرخشک در مطبوعات ایران



تصویری از روزنامه اطلاعات در آبان ۱۳۳۳ خورشیدی که در آن شیرخشک کلیم، چاپ و منتشر شده است که اولین تبلیغ این محصول در جراید وقت است. جالب است بدانید در سال ۱۸۲۸ میلادی (حدود ۱۸۶سال پیش) یک محقق آلمانی به نام «یوهان فرانتس سایمون» اولین تجزیه و تحلیل شیمیایی شیر انسان و گاو را منتشر کرد. سایمون کشف کرد که پروتئین شیر گاو در مقایسه با شیر انسان، کمی بیشتر است و در مقابل، کربوهیدرات کمتری دارد؛ همچنین در سال ۱۸۶۶ یک داروساز سونیسی آلمانی تبار به نام «هنری نستله» با استفاده از ترکیبات مختلف شیر گاو، آرد و شکر، برای نوزادانی که از شیر مادر محروم بودند، غذای جایگزینی فراهم کرد. او مواد اولیه مختلف را تغلیظ و در خلا خشک کرد تا زمانی که فرمول دقیق را ایجاد کرد. او «آرد کودکان» را در سال ۱۸۶۷ به بازار عرضه کرد.

مرضیه ترابانی| ماجرای تغییرات آب‌وهوای شهر مشهد، از آن مضمون‌های مشهور تاریخی است که دست‌کم در میان خود مشهدی‌ها رواج کامل دارد. شاید شما هم از شهروندان قدیمی مشهدی شنیده باشید که شهرشان هرروز چهارفصل دارد. تغییرات آب‌وهوایی آن قدر سریع اتفاق می‌افتد که نمی‌شود آن را دقیقاً پیش‌بینی کرد. اگر زائر یا مجاوری طی یک روز، سرمای شدید و آفتاب سوزان را با هم ببیند، اصلاً نباید تعجب کند و دچار شگفتی شود. اینکه چرا آب‌وهوای شهر مشهد چنین است، برمی‌گردد به اقلیم این منطقه و قرار گرفتن آن در معرض جریان‌های آب‌وهوایی مختلف که صد البته موضوع بحث ستون مشهدیات نیست. می‌توان نمونه‌های ملموس‌تری از آن را در شهرهای دیگر شرق خراسان رضوی - مانند سرخس - به‌خوبی مشاهده کرد. چندروز قبل و ضمن مطالعه متن «روزنامه خاطرات عین السلطنه» به گزارش‌های مربوط به اواخر بهار و ابتدای تابستان سال ۱۲۸۵ خورشیدی رسیدم، یعنی یکی دوماه‌مانده به پیروزی نهضت مشروطیت، قهرمان میرزا سالور، ملقب به عین السلطنه، از رجال مشهور دوره قاجار است که به‌واسطه نگارش خاطرات روزنامه و انتشار آن‌ها به همت روان‌شاد ایرج افشار، شهرت فراوانی پیدا کرده و آنچه به رشته تحریر درآورده، مورد توجه پژوهشگران تاریخ معاصر ایران است.

مشهدیات



عین السلطنه بین ربیع‌الثانی سال ۱۲۲۴قمری (خردادماه ۱۲۸۵ خورشیدی) تا جمادی‌الاول سال ۱۲۲۴قمری (تیرماه ۱۲۸۵ خورشیدی) سفری به مشهد داشت و از این شهروان‌ه‌ترکستان شد. او در بخشی از روزنوشت خاطراتش به‌موضوع آب‌وهوای عجیب مشهد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «خیلی